

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

طلیحه حسنی - فرشید واحدیان

۲۹ اگست ۲۰۲۱

## دیپلماسی با طالبان، ضرورتی از سر اضطرار

(۱)



طالبان از سال ۲۰۱۵، زمان آغاز مذاکرات "صلح" امریکا با آنها و پا به پای این مذاکرات، جانی دوباره گرفته اند و به چنان توانائی نظامی دست یافته اند که بی وقفه به قصد تصاحب مجدد قدرت، بی محابا با کشتن و ویران کردن به پیش می تازند. روند پیشروی آنها با خروج تدریجی نیروهای نظامی ایالات متحده، ناتو و دیگر کشورهای ائتلاف از افغانستان، در همه جهات جغرافیائی به ویژه مرزهای شمال شرقی، شمالی و غربی با کشورهای همسایه شدت یافته است. اکنون نه تنها مردم افغانستان بی هیچ امنیتی در معرض قربانی شدن در این جنگ هستند، بلکه به دلایلی که بعد ارائه خواهند شد، کشورهای همسایه، به ویژه چین، ایران و جمهوریهای آسیای میانه هم پیمان روسیه بشدت نگران نفوذ این تحولات خشونتبار درون مرزهای خود هستند و با پیشبینی آینده افغانستان می کوشند تا در هماهنگی باهم و برخی اقدامات و ابتکارات مستقل، راههایی برای تضمین امنیت آینده مرزها و مبادلات سیاسی و اقتصادی خود بیابند. حتی پاکستان، یعنی محل تولد و پرورش طالبان و با وجود ادامه کمکهایش به آنها حتی در همین ایام، دارای نگرانی هائی است که این کشور را وادار به هماهنگی با دیگر کشورهای همسایه کرده است تا راههایی برای کسب اطمینان جهت کاهش آسیب های احتمالی از طرف طالبان علیه خود به دست آورد. بنا بر برخی گزارشها، هندوستان نیز با پیشبینی مشابه در مورد آینده این کشور، "پشت پرده" مشغول مذاکراتی با طالبان است. ۱. هرچند تلاش هندوستان با توجه به دولت **نوفاشیست** نارندرا مودی می تواند اهداف و سوئے کاملاً دیگری نسبت به سایر کشورهای منطقه داشته

باشد، مانند سوداهائی که اسرائیل از نزدیکی به طالبان در سر دارد. ۲. این پیشبینی چیزی نیست مگر احتمال تشدید ناآرامی ها و بی ثباتی و به قدرت رسیدن مجدد گروه طالبان در افغانستان. اما همین یک جمله دارای ابعاد خطرناک گوناگونی برای کشورهای منطقه و به تأیید یک فرمانده سابق امریکائی در افغانستان، برای همه جهان است. ۳. به همین دلیل، بعد از امضای توافقنامه "صلح" امریکا با طالبان و تشدید حملات و پیشرویهای نظامی آنها، هیأتی نمایندگان این گروه به دعوت کشورهای منطقه، به روسیه، پاکستان، ترکمنستان، ایران و اخیراً نیز به چین سفر کرده اند. البته این سفرها صرفاً به خواست این کشورها نبوده، بلکه طالبان نیز خود را نیازمند این دیدارها و توافقها می بینند. آنها عادی سازی روابط با دنیای خارج به ویژه همسایگان این کشور را، برای آینده ای که برای خود متصورند، حیاتی می دانند، زیرا طالبان به دلیل گذشته خود، سالهاست که در لیست سیاه تروریستی محافل بین المللی و نیز کشورهای همسایه قرار دارند و اگر نتوانند این مشکل را حل کنند در مناسبات آینده خود با جهان با مسایل دشوارتری روبه رو خواهند بود.

این دیدارها، که همگی از سر اجبار و با سوءظن و عدم اعتماد شدید کشورهای میزبان نسبت به وعده های طالبان صورت گرفته و می گیرد، با انتقادهائی از داخل افغانستان و نیز بیرون از آن روبه رو هستند که کمتر می توان به صداقت طراحان آنها باور داشت. به طور خلاصه، این انتقادات برآنند که سفرها و دیدارهایی در این سطح نمایندگان طالبان به ویژه به کشورهای قدرتمندی چون چین، روسیه و ایران، موجب تطهیر چهره این گروه معرف حضور همه؛ مشروعیت بخشیدن و تقویت موقعیت آنها می شود. پیش از پرداختن به این انتقادات، که عمدتاً با ملاحظات و جهتگیریهای خاص سیاسی طرح می شوند، لازم است نگاهی داشته باشیم به برخی از عوامل نگرانی آور برای همسایگان افغانستان.

### دلایل نگرانی همسایگان افغانستان در صورت پیروزی طالبان

از پیامدهای فاجعه بار دخالتهای امپریالیستی در افغانستان از پیروزی انقلاب [کودتای ننگین] ثور (اردیبهشت ۱۳۵۷) تا امروز، به ویژه بعد از سرنگونی دولت دمکراتیک افغانستان [نوکران روس] در سال ۱۹۹۲ / ۱۳۷۱، تبدیل این کشور به مأم و پایگاه انواع گروه های تروریستی بوده است. در همین سالها، بعد از شکست داعش در سوریه و عراق، بخش بزرگی از تروریستهای این گروه (اغلب با کمک ترکیه) به افغانستان انتقال داده شدند. برای مثال، حمله به پوهنتون کابل در عقرب ۱۳۹۹، از جمله جنایات تکانه دهنده داعشها از داخل افغانستان علیه مردم همین کشور بود.

القاعده که از ابتداء با طالبان پیوندهای محکمی داشتند و بعد از حملات یازده سپتمبر به کوه و کمر پناه برده بودند، بار دیگر حضور خود در این کشور را تقویت و تثبیت کرده اند و از نظر بسیاری از تحلیلگران، کمتر اقدام تروریستی در افغانستان و نقاط دیگر جهان میشود یافت که جای پای القاعده در آن دیده نشود.

"حزب اسلامی ترکستان شرقی"، سازمان تروریستی ضد چینی متشکل از اویغورهای خودفروخته سی نکیانگ، که از زمان حکومت طالبان در افغانستان پناه گرفته و دست به اقدامات تروریستی علیه چین میزد، همچنان از این کشور به عنوان پایگاهی ثابت برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کند. بعد از انتشار ویدئوهائی از فعالیت تروریستهای این گروه در افغانستان در فضای مجازی، روزنامه "اطلاعات روز" چاپ افغانستان به تاریخ ۲۳ قوس/آذر ۱۳۹۸، در گزارشی نوشت:

"گروه اسلامگرای ترکستان شرقی در افغانستان سالهاست که حضور دارد و زیر چتر گروه طالبان و القاعده فعالیت کرده است. پس از ظهور داعش در خاورمیانه، گزارشهایی منتشر شد که اویغورهای مسلمان به داعش پیوسته اند،"

اما ویدئوی منتشر شده نشان می دهد که آنها در ولایت بدخشان در شمال شرقی افغانستان هم مرز با چین مستقرند. همین گزارش می افزاید، به نظر آگاهان نظامی در افغانستان، "چنین گروه‌هایی اگر از حمایت کشورهای خارجی برخوردار نباشند، نمی توانند حضور دوامدار در افغانستان داشته باشند" و هدف تروریسم این حزب "مبارزه و مقابله با چین است... و اگر این گروه بتواند در افغانستان صاحب پایگاه شود، که محال است بدون حمایت خارجی به این هدف دست یابد، روابط دولت چین و افغانستان تیره خواهد شد". بی بی سی فارسی نیز در تحلیل ویدئوی منتشر شده، نتیجه می گیرد که ظاهراً خودروهای نظامی و انواع سلاح‌هایی که در دست تروریست‌های حزب اسلامی ترکستان دیده می شوند "متعلق به نیروهای امنیتی افغانستان" می باشند.<sup>۴</sup>

این جمله آخر، یعنی تعلق سلاح‌ها و تجهیزات نظامی تروریست‌های ترکستانی به نیروهای امنیتی افغانستان، در کنار این واقعیت که این سلاح‌ها توسط ایالات متحده و سیا تأمین می شوند، نکته بسیار مهمی است که می تواند و باید در چرائی پیش‌رویه‌های فعلی ظاهراً از سر قدرت سازمانی طالبان نیز مورد توجه قرار گیرد.

گزارش‌ها همچنین حکایت از آموزش و تجهیز مجدد مجاهدین جهت احیای آنها توسط امریکائی‌ها دارند. همان مجاهدینی که برای جنگ علیه دولت دموکراتیک افغانستان و ارتش شوروی توسط امریکا، عربستان سعودی، پاکستان و امارات تربیت و تجهیز شدند.

جای تعجبی هم نیست، زیرا همین امروز در ترکیب دولت ائتلافی فعلی افغانستان، دو رقیب ریاست جمهوری دیروز هر یک با باند‌های خود، یکی دارای پیشینه طالبانی (اشرف غنی) و دیگری (عبدالله) رسماً از همین مجاهدین است. جمله بایدن در مصاحبه اخیر خود ۵ که "همه طرف‌های افغانستان دچار فساد هستند" نشان می دهد که صحنه گردانان امپریالیستی اوضاع افغانستان بخوبی می دانند که چه کسانی را و با چه دلایلی زیربال و پر خود گرفته اند. دفاع نکردن، فرار یا تسلیم نیروهای ارتش افغانستان در مقابل پیش‌رویه‌های طالبان نشان می دهند که چه توطئه شیطانی بزرگی در جریان است. "وال استریت ژورنال ۷ جولای/ ۱۶ مرداد، در گزارش تصرف شهر زرنج توسط طالبان نوشت...": طالبان شهر زرنج مرکز استان نیمروز هم مرز با ایران را بدون هیچ درگیری تصرف کردند. به گواه صحبت تلفنی با یک شاهد عینی در زرنج، فرماندار و مسؤولین رسمی دولت کابل قبل از آمدن طالبان، از شهر گریخته بودند.

نزدیکی ایدئولوژی بنیادگرایی این گروه‌های تروریستی با طالبان، زمینه همکاری آنها باهم را هموارتر کرده است و این همکاری برای همه کشورهای همسایه از جمله ایران بسیار خطرناک است. گروه‌های تروریستی دیگری هم با نام‌های مختلف در این کشور حضور دارند که از جمله می توان از "جندالله" نام برد که گویا مأموریت ویژه آن علیه ایران است.

گذشته از تنوع نام این گروه‌های تروریستی، عنصر دیگری که آنها را به شدت خطرناک می کند، چگونگی ایجاد و ترکیب آنهاست. اکثریت قریب به اتفاق بدنه این گروه‌ها، کودکان و نوجوانان فقر زده ای هستند که از سراسر جهان به مزدوری گرفته می شوند ۶ و در مدارس دینی ویژه، تنها چیزی که به جز خرافات مذهبی به آنها آموخته می شود، تقویت تحمل نهایت خشونت، کشتن و مثله کردن بدن انسان‌هاست. ۷ چنین افرادی بدون کمترین احساس دلبستگی نسبت به مکان جغرافیائی که در آن مشغول عملیات است، براحتی به خشونت و غیرانسانی‌ترین کارها دست می زنند.

نکته دیگر و مهمتر از این، هدف امپریالیسم جهانی از ایجاد سازما نه‌های متعدد مشابه و در کنار هم قرار دادن آنها در محدوده های جغرافیائی معین است. این هدف، از یک سو چیزی نیست مگر جلوگیری از تمرکز قدرت در یک گروه با احتمال سرکشیهای آتی؛ و از سوی دیگر به راه انداختن رقابت‌های خونین این گروه‌ها با هم به قصد ایجاد نهایت بی ثباتی

در خدمت ستراتیژیهای عمده تر امپریالیستی، و در مثال مشخص افغانستان، ستراتیژی دشمنی با چین در قدم اول، و در درجات دیگر روسیه و ایران.

کارستن ینسن خبرنگار و پژوهشگر مسایل سیاسی اهل دنمارک، که دو بار بعد از یازده سپتمبر به افغانستان سفر کرده، در کتاب "جنگ بی پایان ۸"، (سال ۲۰۱۶) می نویسد: "طالبان ارتش افغانستان را حریفی به حساب نمی آورد که از آن ترسی داشته باشد. دشمن واقعی طالبان جنگسالاران مقتدر اند. این دو گروه پیشتر یک دیگر را در میدان کارزار آزموده اند. در ۱۹۹۰ طالبان بر جنگسالاران اتحاد شمال پیروز شد.

اما اکنون جنگسالاران از منابع بیشتری برخوردارند و آزمایش قدرت بین آنها و طالبان می تواند افغانستان را به دور جدیدی از خشونت فزاینده بکشانند که حتی از هرج و مرج سالهای ۱۹۹۰ هم فراتر برود... در این سالها جمعیت انبوه شبه نظامیان در آن منطقه بدون هیچ کنترولی رشد کرده و از کمک مالی، تسلیحاتی و آموزشی امریکا برخوردار بوده است.

تقویت جنگ سالاران بخشی از ستراتیژی خروج امریکا... است (صص ۱۸-۱۹) در عین حال این احتمال نیز دور از واقع بینی نیست که در عملیات جنگی جاری، همدستی هائی بین گروههای تروریستی مختلف با طالبان وجود داشته باشند.

علاوه بر خطر بسیار جدی گروههای تروریستی، افغانستان، بعد از اشغال توسط ارتش امریکا و ناتو، با سهم ۹۰ درصدی، امروز بزرگترین و مهمترین مرکز تولید و قاچاق تریاک و مواد مخدر دنیا است. این در حالی است که در بیست سال گذشته نه تنها هیچ مبارزه ای علیه این تجارت مرگبار صورت نگرفته، بلکه بخشی از وظایف سربازان امریکائی و ناتو تأمین امنیت کشتزارهای خشخاش، مراکز تولید تریاک و آزمایشگاههای تبدیل آن به هروئین و انتقال آنها به بازارهای جهانی بوده است.



در همین جا لازم است تا به قصد دولت آپارتاید صهیونیستی اسرائیل برای ماهیگیری از آب گل آلود افغانستان نیز توجه نمائیم. اسرائیل با وقاحت همیشگی و ذاتی سران خود، علناً صحبت از نزدیکی و زد و بند با طالبان علیه ایران کرده است، که البته با توجه به سابقه اسرائیل در صورت تحقق چنین هدفی، دیگر کشورهای منطقه نیز از بلایای آن در امان نخواهند بود. در ترجمه مقاله ای از "اسرائیل دیفنس"، که اخیراً در رسانه ها منتشر شد، گفته می شود: "همکاری اسرائیل با طالبان می تواند این رژیم را وارد بازی بزرگی علیه ایران کند!

خروج ارتش امریکا از افغانستان فرصتی را برای موساد فراهم می کند. طالبان مسیرهای قاچاق به ایران را می دانند و علاوه بر آشنائی با سازمانهای جنایتکار محلی، بر مرزهای ایران نیز تسلط دارند. این بازی بزرگ، قاچاق تریاک و مسأله هسته ئی ایران را به یکدیگر پیوند می دهد. افغانستان با ایران هم مرز است و همانطور که این کشور به

آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و پاکستان امکان جاسوسی از ایران را می دهد، از نظر تئوریک به موساد یا ارتش اسرائیل نیز اجازه می دهد تا با استفاده از جاسوسان خود به جمع آوری اطلاعات از ایران و سرزمینهای مجاور برای حمایت از مخالفین محلی بپردازد. موساد می تواند با طالبان، که توانایی حمایت از تجارت مواد مخدر را دارد، در ازای ارائه اطلاعاتی در خصوص ایران و پشتیبانی لجستیکی از عملیات داخل ایران روابط تجاری برقرار کند. در سایه روابط حسنه میان اسرائیل و امریکا، موساد قادر خواهد بود تا با تکیه بر روابط امریکا با طالبان و همچنین برخورداری از حمایت امریکا در افغانستان، اهداف خود را پیش ببرد و بر برنامه هسته ای ایران مسلط شود. " این عوامل بشدت خطرناک و بی ثبات کننده اوضاع، مانع جدی برقراری صلح و ثبات در منطقه و روابط مسالمت آمیز سیاسی اقتصادی، اجرائی کردن پروژه های متعدد زیرساختی مورد توافق کشورهای منطقه، به ویژه پروژه های مربوط به ابتکار "یک کمربند یک جاده" چین با افغانستان، پاکستان و ایران هستند. پروژه هایی که در صورت اجرائی شدن، می توانند کمکی جدی برای باز گرداندن جریان عادی زندگی به افغانستان و متضمن منافع بسیاری برای همه کشورهای شرکت کننده باشند.

### هدف ایالات متحده و شرکا از ایجاد بی ثباتی در افغانستان

امریکائی ها خوب می دانند که در افغانستان چه کرده اند و حالا با این تغییرات کدام اهداف را دنبال می کنند. "ایو اوتنبرگ" نویسنده و روزنامه نگار امریکائی معتقد است، هدف مذاکره امریکا برای خروج نیروها برای رسیدن به یک توافق صلح نیست. بلکه نشانه پایان یک اشغال ناشی از یک حمله غیرقانونی است و همزمان با خروج نیروها از افغانستان، دولت بایدن در حال برنامه ریزی برای استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، نظارت بر حمله به وسیله آنها و هواپیماهای "با سرنشین" است که باعث طولانی تر شدن و تشدید جنگ خواهد شد، و به گفته مقامات نظامی امریکا در همین روزها، جنگ ایالات متحده در افغانستان هرگز پایان نخواهد یافت. ۹.

جو بایدن در مصاحبه مطبوعاتی که در تیرماه [سرطان] داشت، با بیان بیشرمانه این که "دیگر از افغانستان نپرسید، می خواهم در مورد چیزهای شاد صحبت کنم"، احتمال کنترل کل افغانستان به دست یک حکومت یکپارچه را بسیار بعید دانست و اندکی بعد گفت: "کنترل کامل افغانستان توسط طالبان اجتناب ناپذیر نیست". یعنی اگر امریکا بخواهد می تواند آن را متوقف کند (بایدن سپس در نهایت خونسردی، بعد از بیست سال خونریزی و ویرانی در افغانستان به دست امریکا و متحدینش، ادعا کرد که "این یک جنگ داخلی است و ارتباطی به امریکا ندارد")! [مردم افغانستان باید نوع حکومت خود را تعیین کنند و ما وظیفه ای در این خصوص نداریم!]؟! او همچنین در ادامه این سخنان بشدت وقیحانه هدف اصلی امریکا را روشن می کند: "تهدید تروریسم اکنون در خارج از افغانستان است. ما باید بر پاسخ به نیازهای خود برای رقابت استراتژیک با چین متمرکز شویم. تهدیدی که از جنوب آسیا و خاورمیانه علیه ما وجود دارد، بزرگتر از تهدید در افغانستان است. ۱۰"

چند روز بعد از این مصاحبه شرم آور، "کریستین ساینس مانیتور" از روزنامه های پرتیراژ و مشهور امریکائی، در واقع دامن زدن به هرج و مرج و بی ثباتی اوضاع افغانستان را به عنوان استراتژی آگاهانه امپریالیسم در رقابت خصمانه با چین مورد تأیید قرار داد: "افغانستان با ثبات، تقویت کننده قدرت چین است! ۱۱" و سپس توضیح داد، در نتیجه خروج نیروهای امریکائی از افغانستان، اسلامگرایی تشدید خواهد شد و با تصرف مناطق مهم مرزی توسط طالبان، همسایگان افغانستان و بیش از همه چین دچار مشکلات جدی خواهند گردید و در نتیجه این وضع، به زعم این روزنامه، "طنز ماجرا آنجاست" که حالا منافع این کشورها - چین، پاکستان، ایران و کشورهای هم پیمان روسیه در

آسیای مرکزی - که همگی شدت منتقد جنگ امریکا در افغانستان بوده اند، در گرو کاری است که امریکا تا کنون تلاش کرده (؟؟)!! اما موفق نشده است، یعنی ایجاد یک ائتلاف حکومتی که متضمن ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان باشد.

اما، همگان نه با چنین "طنز"ی، بلکه با یک واقعیت شدت تلخ آشنا هستند و آن هرج و مرج و بی ثباتی نهادینه شده در افغانستان به عنوان تنها "دستآورد" یا "میراث" به جامانده امریکا بعد از بیست سال در این کشور است. میراث شومی که بسختی بر گرده کشورهای همسایه سنگینی می کند و حالا باید نهایت تلاش خود را صرف جلوگیری از نفوذ آنها به درون خاک خود نمایند. ضرورتی که نیازمند اتخاذ یک دیپلماسی هوشیارانه و محتاطانه در برابر نیروهائی است که در حال آماده شدن برای "امارت" بر این کشور هستند.

ساینس مانیتور درباره موقعیت ایران در این وضعیت نیز می نویسد، حدود یک سال پیش نمایندگان طالبان به دعوت دولت ایران به تهران رفتند تا در پاسخ به نگرانی های ایران بتوانند با آنها به توافق برسند. در این دیدار ایران نگرانی خود از هجوم صدها هزار آواره افغان و نفوذ داعش به خاک خود را مطرح کرد و موفق به امضای یک بیانیه مشترک با آنها شد. در این بیانیه، ظاهراً نمایندگان طالبان حمله به مدارس، بیمارستانها و سایر تأسیسات غیرنظامی را محکوم کردند و قولهایی نیز در پاسخ به برخی از نگرانی های ایران دادند.

اوضاع آشفته کنونی در افغانستان با توجه به تغییر و تحولات سالهای اخیر در پاکستان، حتی این کشور را نگران کرده است. کشوری که در دهه های اخیر مهد تولد انواع گروههای تروریستی از جمله طالبان و مرکز اصلی اردوگاههای آموزشی و نظامی این جنایتکاران بوده است. ساینس مانیتور درباره نگرانی پاکستان می نویسد، پاکستان تنها نگران هجوم جدید آوارگان نیست، بلکه نگران پیشرفتهای طالبان نیز هست که می تواند موجب تشویق و تقویت "گروههای ضدپاکستان برای اجرای حملات فرامرزی بشود."

از این رو، پاکستان نیز در ایام اخیر بارها مخالفت خود با روی کار آمدن دولتی شبیه دولت سابق طالبان را اعلام کرده است و همراه با دیگر کشورهای منطقه از جمله چین، ایران و روسیه به دنبال راههایی است تا بتواند مانع تأثیرات منفی روند کنونی تحولات افغانستان درون مرزهایش شود. اما نکته مهم در مقاله ساینس مانیتور این است: "طرف کلیدی در این ماجرا کشور چین است ... چینی ها هم نگرانی های امنیتی دارند: افغانستان با استان سین کیانگ هم مرز است ... اما منافع چین در آینده افغانستان عمیقتر از این مسأله است.

وجود یک دولت با ثبات در آن کشور، به طور بالقوه، موجب تقویت تلاشهای چین برای توسعه قدرت اقتصادی و سیاسی خود در بحبوحه افول امریکا و دموکراسیهای غربی از نگاه مقامات چینی خواهد شد. یکی از پروژه های مهم در طرح نزدیک به یک تریلیون دلاری "کمربند و راه"، پروژه موسوم به کریدور اقتصادی چین - پاکستان است. این پروژه، افغانستان را بین چین و متحد اصلی منطقه ای آن یعنی پاکستان دور می زند و خشونت های مهار نشده در افغانستان و بی ثباتی سیاسی می تواند آن را به خطر اندازد.

ساینس مانیتور سپس نتیجه می گیرد، اکنون به نظر می آید "امیدواری درباره حمایت از نقش طالبان در دولت آینده با حمایت از دورنمای پروژه های طرح کمربند و راه در افغانستان" افزایش یافته باشد. در پایان ساینس مانیتور با تأیید این که چین "بدون شک قدرت اصلی در منطقه است"، به نکته قابل توجه دیگری نیز اشاره دارد که یکی از علائم قدرت سیاسی و اقتصادی چین، "بیانیه های اخیر طالبان و عمران خان، نخست وزیر پاکستان مبنی بر این است که هیچ انتقادی از برخورد چین با اویغورها ندارند."

ادامه دارد